



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Volume 2300 – Student Glossary – UNIT 2301

Unit No: 2301

Tags: American Language Course, UNIT 2301, Glossary

Snack	غذای سبک، غذای کوچک، میان وعده	As well as	و (این ترکیب در جملات گاهی معنی حرف عطف and را می دهد).
Snack bar	اغذیه فروشی، مغازه ساندویچی	Classify	طبقه بندی کردن، دسته بندی کردن، کلاسه کردن
Coconut	نارگیل	Classified ads	آگهی های طبقه بندی شده
A la mode	(فرانسه) غذای تهیه شده به روش مخصوص	Feature	مطلب، بخشی از یک روزنامه
Pie a la mode	کیک مخصوص، کیک که روی آن با بستنی پوشیده شده است.	Run	چاپ کردن (در روزنامه و نشریات)
Some time	یک وقتی، یک موقع	Rotate	چرخیدن
Are you ready to go?	بریم؟ (در رستورانها وقتی غذا خوردن به پایان می رسد).	Regularly	به طور منظم
Booth	اتاقک، غرفه، باجه	Subscription	آبونمان، اشتراک، حق اشتراک
Enclosed	دور تا دور آن بسته شده، محصور	Local news	اخبار محلی
Sweet	شیرین، طعم شیرین	Column	ستون، ستون اخبار در روزنامه
Contraction	مخفف شده، کوتاه شده	Divide into	تقسیم شدن بر
No, Let's not.	حالت منفی Let's است. یعنی نه این کار را نکنیم.	Sad	غمگین
On	(برنامه تلویزیون و سینما و...) در حال پخش، برای پخش	Emotional	احساساتی، عاطفی، هیجانی
There's nothing good <u>on</u>.	هیچ برنامه خوبی در حال پخش نداره.	Appeal (n.)	جاذبیت، جاذبه
Get	برداشتن، گرفتن	Staff	پرسنل، کارکنان یک شرکت یا سازمان
Let me get my hat.	بذار کلاه من را بردارم.	Make up	تشکیل دادن
Deliver	تحویل دادن	Men	اشخاص
Newsstand	دکه روزنامه فروشی	Fact	واقعیت
Appear	ظاهر شدن، منتشر شدن	Facts	وقایع (به معنی جمع واقعیت نه به معنای جمع واقعه)
Obtain	گرفتن، به دست آوردن	Reporter	گزارشگر
Extreme	نهایت، بیشترین حد، منتهی الیه	Editorial	سردبیری، مقاله سردبیر روزنامه
Extremely	به شدت، بی نهایت	Policy	خط مشی، سیاست
Take up	جا گرفتن، قرار گرفتن	Viewpoints	دیدگاه، نقطه نظر
Appeal (v.)	جذب کردن، جاذبه داشتن	Opinion	ایده، نظر، دیدگاه
Appealing (Adj.)	جذاب، گیرا	For	موافق، طرفدار، حامی
Interest	علاقه	Against	مخالف، مقابل، ضد
Human interest story	داستان مورد علاقه مردم	Character	شخصیت، چهره
Heavy	درشت (قلم)	Dialog	مکالمه، دیالوگ
All the way across	سراسر، سر تا سر	Refer (to)	اشاره کردن (به)، صدا زدن (با نام)
Across	در عرض، در پهنای	Completion	تکمیل، کامل کردن
		On	در (برای اشاره به محل کار)
		John works <u>on</u> a newspaper.	جان در یک روزنامه کار می کند.



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Volume 2300 – Student Glossary – UNIT 2301

Unit No: 2301 **Tags:** American Language Course, UNIT 2301, Glossary

Back page

صفحه آخر

Upright

عمودی، ایستاده، قائم